



# ارتباط فرشتگان با انسان

آیه الله جوادی آملی

بر اساس آنچه که قبلاً خوانده شد که ملائکه اولیای مؤمنین هستند؛ ولی، هرگز مولی علیه خود را ترک نمی کند مخصوصاً در هنگام بروز خطر و مهمترین خطرها همان حالت احتضار و مرگ است. در حال احتضار، فرشتگان پیر بالین مؤمنین حاضر می شوند. فرمود: «كذلك يجزي الله المتقين الذين توفيقهم الملائكة طيبين يقولون سلاماً عليكم»؛ چنین است که خداوند تقوای پیشگان را پاداش می دهد؛ آنان که فرشتگان ارواح آنان را در حالی که طیب و پاک هستند، قبض می کنند، و در حال احتضار به بالین معتبرین حضور پیدا می کنند و بر آنها سلام می کنند.

طیب انسانی است که آلوده نباشد؛ در مقابل خبیث که به معنای تیره و نساخالص و آلوده است طیب غیر از ظاهراست یعنی طبع اولیش نظیف و پاک است. طیب بمعنای خالص در برابر خبیث که ناخالص است. اگر کسی ایمانش را با غیر ایمان مخلوط نکرد. این می شود طیب «الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم أولئك لهم الأمن وهم مهتدون». آنان که ایمان آوردند و ایشان خود را با ظلمی (چه به نفس خود و چه به دیگران) نبوشانند، آنان در امن و امان خواهند بود و از هدایت شدگان اند. ولی اگر عمل صالحی را با عمل بدومیشی مخلوط کرد، آن می شود خبیث «خلطوا عدلاً صالحاً و آخر سباً». چنین افرادی که مقداری عمل صالح و مقداری گناه دارند، خبیث اند و وضعشان روشن نیست که خدا با آنها چه می کند. اما آنها که طیب هستند و اعمالشان خالص است، فرشتگان به آنها می گویند: سلاماً علیکم.

پس مؤمن در حال جان دادن، هیچ رنج و فشاری احساس نمی کند زیرا با سلامت از دنیا وارد برزخ می شود. سلامت با رنج سازگار نیست. یک انسان رنجور که از نظر دینی در سلامت نیست، اگر بخواهد از دنیا به عالم برزخ منتقل شود، با سلامت نمی رود بلکه با مشقت و رنج همراه است، ولی در مورد کسی که طیب زندگی کرده است، فرشتگانی که

«أولئك لهم عقیسی الدار جنات عدن یدخلونها ومن صلح من آبائهم وأزواجهم وذرتائهم والملائكة یدخلون علیهم من کل باب سلاماً علیکم بما صبرتم، فنعیم عقیسی الدار».

پس از اینکه سیره عملی اولوالالباب را بیان کرده، پاداش و نتیجه اوصاف هشگانه آنان را بیان می فرماید که پایان این دنیا به نفع آنها است سپس می فرماید: «جنات عدن» - بهشت هائی است که جای رقام و خوشگذرانی است؛ و نه تنها خودشان در این باغ های بهشت بسر می برند، بلکه بستگان با ایمان آنها هم با آنها محشورند که از این لذت انس هم استفاده کنند.

## رابطه انسان با فرشتگان

رابطه ای که ملائکه با انسان دارند همانگونه که ملاحظه کردید - رابطه محبت و ولایت است در دنیا و رابطه ولایت و محبت و خدمت است در عالم برزخ و قیامت. در دنیا فرشتگان برای مؤمنین طلب مغفرت و آمرزش می کنند و در عالم برزخ به مؤمنین می گویند: ما اولیای شما بودیم در دنیا و آخرت، پس مؤمن در حیات دنیا دارای اولیائی از ملائکه است و این ملائکه در آغاز زندگی ولی او هستند تا او را بپرورانند. اگر مؤمن بالا آمد و هم سطح فرشتگان شد، فرشتگان اولیای او یعنی احببا و دوستان اویند؛ و اگر از این مرحله گذشت و انسان کامل شد، تمام فرشتگان، خدمتگزار انسان کامل خواهند بود «فسجد الملائكة کلهم اجمعون». در برابر این انسان کامل، همه فرشتگان خضوع و سجود کردند. بهر حال رابطه فرشتگان با انسان در دنیا و مقداری از رابطه برزخی قبلاً بیان شد، اینک تنقه رابطه برزخی آنها و رابطه عالم قیامت را بیان می کنیم.

مأموران سلامت رسانی خدایند، بر آنها درود می فرستند و ار هر رنج والی سالم نگه میدارند، زیرا درود فرشتگان مانند درود ما لفظی نیست که عملاً آنها را به سلامت می دارند. اگر خدای سبحان ما را به دارالسلام و جایگاه سلامتی دعوت می کند می فرماید: «والله يدعوا الى دارالسلام»<sup>۱</sup> طلیعه دارالسلام، برزخ است. پس ممکن نیست مؤمن طیب، در حال مردن و رفتن به عالم برزخ فشاری ببیند.

## مؤمنین در عالم قیامت

مؤمنین در عالم قیامت هم از لذتهای جسمانی و ظاهری برخوردارند و هم از لذتهای روحانی و معنوی می فرماید: «ان المتقين في جنات ونهر، في مقعد صدق عند مليك مقتدر»<sup>۲</sup>. به تحقیق که اهل تقوی در باغها و کنار نهادهای بهشتی خواهند بود. و در منزلگاه صدق نزد خداوند عزت و سلطنت، جاودانه اند. در بهشت و کنار نه بهشتی بودن، مربوط است به جسمش و ظاهرش و عندالله بودن مربوط است به حشر معنوی

در سوره حجر، خصوص جنات و عیون را ذکر فرمود: «ان المتقين في جنات وعیون ادخلوها سلام آمین»<sup>۳</sup>. تقوا پیشگان در بهشت ها و جویهای روان اند، به سلامتی و امنیت داخل شوید. چه کسی به آنها می گوید: داخل شوید. در این سوره مشخص نیست ولی در سوره های دیگر روشن می شود که گوینده ها چه کسانی اند؟ در سوره زمر می فرماید: «وسيق الذين اتقوا ربهم الى الجنة زمرا». متقین را گروه گروه به بهشت هدایت می کنند. «حتی اذا جاؤها وفتحت ابوابها وقال لهم خزنتها سلام علیکم، طیبم فادخلوها خالدين»<sup>۴</sup>. وقتی به بهشت می رسند، درهای بهشت بر روی آنان گشوده می شود و مأموران بهشت به آنان می گویند: سلام و درود بر شما، شما خالص بودید پس وارد شوید و جاودان بمانید.

پس هم در حال احتضار فرشتگان می گویند: «سلام علیکم» و هم در حال ورود به بهشت بر آنها سلام می کنند و می گویند: شما طیب هستید، بفرمائید. یعنی شما که صالح را با غیر صالح مخلوط نکردید و طیب هستید، پس بفرمائید و در بهشت جاویدان بمانید در اینجا معلوم می شود که گویندگان سلام، فرشتگان هستند.

در جای دیگر قرآن می فرماید: «من خشي الرحمن بالغيب وجاء بقلب منيب ادخلوها سلام»<sup>۵</sup>. آن کس که از خدای رحمن در باطن ترسید و با قلبی خاشع و خاضع به سوی او آمد، (به آنها خطاب می شود که) به سلامت وارد بهشت شوید.

در اینجا نیز به متقین خطاب می شود که به سلامت وارد بهشت شوید. چه کسی خطاب می کند؟ برابر آنچه در سوره زمر آمد، خزنة بهشت و فرشتگان مأمور بهشت هستند که چنین می گویند. ولی معلوم

نیست همه کس سلام را از خزنة بهشت تحویل بگیرند. شاید آنها که جزء اوحیدی از اولیاء الهی هستند، گذشته از اینکه خزنة بهشت سلامشان می کنند، خدای سبحان نیز سلامشان کند.

خداوند درباره اتینا می فرماید: «سلام علی ابراهیم»<sup>۶</sup> یا «سلام علی موسی وهارون»<sup>۷</sup> یا «سلام علی نوح فی العالمین»<sup>۸</sup> این موارد و امثال آن، سلام به اولیای خاص خدا است و اینها سلام را از خدای سبحان دریافت می کنند.

در ادامه آیه سوره «ق» آمده است: «ادخلوها سلام ذلک يوم الخلود لهم ما یشاؤون فیها ولدینا مزید». به سلامت وارد شوید؛ امروز روز جاودانگی است، و برای آنان هر چه بخواهند یافت می شود و نوزد ما نعمتهای اضافه ای نیز وجود دارد.

آری! در بهشت یک سلسله نعمتهایی است که انسان آرزو هم نمی کند زیرا آرزو بمقدار معرفت است؛ اگر انسان بداند در بهشت چه نعمتهایی است، آرزویشان می کند، اما بعضی از نعم و درجات بهشت را درک نمی کند، لذا آرزویش را هم نمی کند ولی خدا به او می دهد.

پس اگر خداوند فرمود: «والله يدعوا الى دارالسلام» خدا مردم را به عالمی دعوت می کند که تسلیم محض است و هیچ آسیبی در آن عالم نیست و فرشتگان الهی مأمور اجرای این سلامت هستند.

## کیفیت سلام ملائکه

ملائکه لفظشان با فعلشان همراه است. اینطور نیست که فقط یک درود و تحیت لفظی باشد اینها مأموران الهی هستند که انسان را از یک عالمی به عالمی دیگر منتقل و هدایت می کنند که در آن عالم، هیچ آسیب و زحمتی وجود ندارد «لا یمسنا فیها نصب ولا یمسنا فیها لغوب»<sup>۹</sup> هیچ آسیبی در آن عالم نیست؛ نه انسان بد می شود و نه بد می گوید و نه از ماندن خسته می شود و نه چیزی می خواهد که به او ندهند. پس سلام ملائکه جدای از سلام ما است؛ سلام آنها همراه با بهشت و آرامش است و این تکریمی است نسبت به مؤمنین که با عمل خارجی همراه است اما این درودهایی که ما نسبت به یکدیگر می فرستیم، اینچنین نیست که حتماً با سلامت خارجی همراه باشد.

بنابراین، اگر در آیه کریمه فرمود: «والملائکه بدخلون علیهم من کل باب». فرشتگان از هر دری بر آنها وارد می شوند؛ سخن فرشتگان این است که خطاب به مؤمنین و اهل تقوا می گویند:

«سلام علیکم بما صبرتم». سلام و درود بر شما که صبر کردید. معلوم می شود که ملائکه در همه شئون مؤمن با او هست تا در قیامت کبری و بهشت عدن، از ورود انسان به دنیا تا لحظه مرگ و در عالم برزخ،

بی اذن خدای سبحان چیزی در دل خطور کند، چون دل هم مال خودشان نیست. اینها نه تنها بدن یا مال خود را به خدا فروخته اند، بلکه جانشان و خاطرات و اندیشه هایشان را نیز فروخته اند. پس اگر در این اندیشه ها آزاد باشد، معلوم می شود که جان را فروخته است.

گرچه در فقه اصغر می گویند: اگر کسی تصمیم به گناه گرفت و گناه نکرد، چیزی بر او نوشته نمی شود و فاسق نیست ولی در فقه اکبر و اخلاق می گویند: «ان تبدوا ما فی انفسکم او نخضوه بحاسبکم به الله»<sup>۱۱</sup>. آنچه را که ظاهر کردید و آنچه را که مستور و مخفی نمودید، خداوند از شما حساب می کشد. پس اگر کسی تصمیم داشت گناهی بکند ولی ابزار گناه فراهم نبود، قطعاً مورد حساب قرار می گیرد؛ برای اینکه تصرف در ملک خدا، که اندیشه و خاطر است، بدون اذن او کرده است.

بنابراین، سبب اخلاقی هم در قیامت محاسبه می شوند و آن کس که سینه ای به ذهنش خطور کرده، در قیامت سرزنش و توبیخ می شود که مگر جانت را به ما فروختی و مگر با ما بیعت نکردی؟ پس همه مکلف هستند که با مولای خود مخالفت نکنند، چه در ظاهر و چه در باطن چون خداوند از ثبت سریره بی حساب نمی گذرد هر چند به گناه نرسد. اینکه مرحوم آخوند در کفایه اشاره کرده و می فرماید: ممکن است مولا روی آن خبیث سریره حسابهایی بکند ولی از بحث ما خارج است، یعنی در بحث های اصولی، جایی ندارد ولی در بحث تفسیری روی آن عنایت شده و بحث می شود.

بالاخره انسان باید بکوشد تا با کسب حسنات، عقل خود را کامل کند و به درجات عالی برسد؛ راه برای همه باز است ولی موفق ها کم هستند.

ادامه دارد

- ۱- سوره نحل- آیه ۳۱ و ۳۰. ۶- سوره حجر- آیات ۴۵/۴۶. ۱۱- سوره صافات- آیه ۷۹.
- ۲- سوره انعام- آیه ۸۲. ۷- سوره زمر- آیه ۷۲. ۱۲- سوره فاطر- آیه ۳۵.
- ۳- سوره توبه- آیه ۱۰۲. ۸- سوره ق- آیه ۳۴. ۱۳- سوره بقره- آیه ۲۰۷.
- ۴- سوره بقره- آیه ۲۵. ۹- سوره صافات- آیه ۱۰۹. ۱۴- سوره بقره- آیه ۲۸۴.
- ۵- سوره قمر- آیات ۵۴/۵۵. ۱۰- سوره صافات- آیه ۲۰.

و در قیامت کبری و ورود به بهشت و پذیرائی در بهشت؛ در تمام مراحل فرشتگان رحمت یا انسان هست و در بهای بهشت هم گشوده است و آنها از هر دری بخواهند وارد می شوند و بر این مؤمنین درود می فرستند و به آنها می گویند که منشاء همه این نعمت ها صبر و بردباری شما در دار دنیا است.

این بود سیره عملی اولوالالباب و پاداش آنها. در مقابل، کسانی هستند که حق را نپذیرفتند و بینش نداشتند، که کفر تلخی برای آنان در نظر گرفته شده است؛ می فرماید: «والذین ینقضون عهد الله من بعد ميثاقه و یقطعون ما امر الله به أن یوصل ویفسدون فی الأرض، أولئک لهم اللعنة و لهم سوء الدار».

(سوره رعد- آیه ۲۵)

آنان که پس از پیمان بستن با خدا عهد خدا را شکستند و آنچه را خداوند امر به وصل کرده بود (مانند صلوة رحم) قطع کردند، و در زمین به فساد و فتنه مشغول شدند، لعنت خدا نصیبشان شده و آتش دوزخ منزلگاهشان خواهد بود.

### نقض عهد الهی

معنای بیعت با خداوند، تنها این نیست که انسان بدن یا مال خویش را بفروشد، معنای بیعت آن است که می فرماید: «ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله»<sup>۱۳</sup>. از مردم کسانی هستند که نفس خود را به خاطر کسب رضایت حق می فروشند، یعنی چنین انسان با تقوائی نه تنها کاری را بدون اذن خدا نمی کند بلکه فکری را هم بدون اذن خداوند از دل نمی گذرانند. مگر نه آن است که بیعت کرده و مگر نه آن است که بیعت یعنی بیع؟ پس این انسان قلب و فکر و اندیشه خود را نیز به خدا فروخته است؛ دیگر حق غصه خوردن هم ندارد، غصه برای چیست؟ برای اینکه انسان خیال می کند، چیزی را به خدا نداده است ولی اگر داد که دیگر غصه ندارد. این اشخاص مواظب خاطرات هم هستند که مبادا

## ضرورت آموزش حدیث

امام صادق علیه السلام:

«بَادِرُوا أَخْدَانِكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِيَّةُ». (اصول کافی- ج ۳ ص ۴۷)

احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه تربیتی، تسریع نمایند پیش از آنکه مخالفین گمراه، بر شما پیشی گیرند و سخنان نادرست خویش را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان سازند.